الزامات توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی
(مورد صنایع نساجی و چرم مصنوعی)



حامد عادلی‌نیک
پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

۱- مقدمه

صنعت پتروشیمی به عنوان پیشران بسیاری از صنایع در کشور، در سالیان گذشته توانسته رشد کمی قابل توجه‌ای را تجربه کند، ولی با نقایص ساختاری عدیده‌ای نیز مواجه بوده است. در نتیجه به لحاظ حجم تولید، جایگاه قابل قبولی در دنیا برای صنعت پتروشیمی ایران بدست آمده به طوری که در برخی از محصولات مثل متانول، اوره و آمونیاک جزء تولیدکنندگان و صادرکنندگان بزرگ دنیا شده، اما به لحاظ ارزش صادراتی محصولات، جایگاه مناسبی عاید این صنعت نشده است. واقعیت این است که با وجود پیشرفت‌های سالیان گذشته، نقیصه‌هایی در ساختار و عملکرد صنعت پتروشیمی ایران دیده می‌شود که منجر به بسنده کردن به عرضه محصولات با ارزش افزوده پایین در بازارهای جهانی، درآمدزایی اندک کشور از صنایع پتروشیمی و بهره‌گیری ناچیز از مزیت‌های نسبی موجود در کشور در مقایسه با کشورهای پیشرو در این صنعت شده است؛ به طوری که قیمت هر تن محصول صادراتی محصولات پتروشیمی ایران حدود یک دهم این مقدار در کشور آلمان و یک سوم آن در مقایسه با کره جنوبی است. نکته قابل توجه، عدم دسترسی این کشورها به منابع نفت و گاز و رتبه اول ایران در دسترسی به ذخایر نفت و گاز دنیا است. در حالی‌که تجارب کشورهای موفق در حوزه پتروشیمی نشان از حرکت آن‌ها به سمت تولید محصولات با ارزش‌افزوده و فناوری بالا در سبد صادراتی است، چالش کلیدی این صنعت در ایران، چگونگی تبدیل مزیت نسبی کشور در محصولات پایه و بالادست به مزیت رقابتی و تولید صادراتی در محصولات پایین‌دست (تکمیلی) است. این در حالی است که صنایع پایین‌دست پتروشیمی نیز، توان ایجاد ارزش افزوده بالاتر و اشتغال‌زایی بیش‌تر را دارند. از طرف دیگر، این صنایع، امکان دستیابی به صادرات متنوع‌تر و پیچیده‌تری را فراهم می‌آورند.

محصولات واحدهای پتروشیمی طیف وسیعی از مواد شیمیایی و پلیمری را تشکیل می‌دهد که به عنوان خوراک صنایع پایین‌دستی مصرف می‌شوند و مشکل در تأمین هرکدام از این محصولات اثرات جبران‌ناپذیری بر پیکرهٔ یک بخش خاص از صنایع پایین‌دستی وارد می‌نماید. با توجه به سهم بالای مواد اولیه در هزینه تمام شده تولید محصولات واحدهای صنایع تکمیلی پتروشیمی، یکی از مهم‌ترین اقدامات برای توسعه این صنایع را می‌توان تسهیل در تأمین مواد اولیه این واحدها دانست. با توجه به توان ایجاد ارزش افزوده و کسب درآمدهای صادراتی بالاتر و اشتغال‌زایی بیشتر صنایع پایین‌دستی پتروشیمی، حل مساله تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع تکمیلی، می‌تواند کشور را به هدف توسعه واحدهای صنایع تکمیلی نزدیک کرده، رشد



اقتصادی و رونق فضای کسب‌وکار کشور را به همراه داشته باشد.

۲- صنعت نساجی

مثلا، صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع که سابقه‌ای چند هزار ساله در ایران دارد، تولیدکننده گستره وسیعی از منسوجات پوششی (پارچه بافی)، خانگی (فرش و موکت ماشینی، رومبلی، پرده، بالشت، پتو، حوله و ...) و منسوجات صنعتی (گونی‌بافی و منسوجات بی‌بافت) تقسیم‌بندی است که از منظر جایگاه کلان می‌توان به جایگاه ویژه این صنعت در توسعه صنعتی کشورهای مختلف، توان بالا در خصوص تحریک توسعه سایر صنایع، پیوندهای بین بخشی بالا، توان اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش افزوده بالا آن اشاره کرد. این صنعت دارای زنجیره ارزشی به صورت سری (متوالی) است که واحدهای تولیدی مختلف آن به صورت زنجیروار پشت سر هم قرار گرفته و خروجی هر واحد، ورودی واحد بعد تا رسیدن به محصول نهایی می‌شود. واحد تولیدی اول (ریسنده)، نخ یا الیاف تولید می‌کند. واحد بعدی (بافندگی)، نخ یا الیاف را به پارچه تبدیل می‌کند. واحد بعدی (رنگرزی)، پارچه را رنگ می‌کند و در نهایت واحد دیگر پارچه را تکمیل می‌کند و آن را در اختیار دوزنده به منظور تولید منسوجات مختلف قرار می‌دهد. در صورتی که یکی از حلقه‌های این زنجیره دچار مشکل یا کمبودی شود، آن کمبود به صورت «دومینووار» به حلقه‌های بعدی انتقال یافته و آن‌ها نیز متعاقبا دچار مشکل خواهند شد. بنابراین به نظر می‌رسد با سیاست‌گذاری درست و سرمایه‌گذاری در حلقه‌های بالایی زنجیره پتروشیمی، می‌توان انتظار توسعه صنایع تکمیلی توسط بخش خصوصی و رشد و شکوفایی هرچه بیشتر این صنعت در کشور را داشت. با اصلاحات لازم در بالادست، صنایع پایین‌دست زنجیره هم خود را به صورت دومینووار اصلاح می‌کند و به عبارت بهتر، توسعه صنعت پایین‌دست، در گرو تأمین پایدار مواد اولیه از بالادست است. با چنین پیش‌شرطی است که می‌توان به اثربخشی اقدامات سایر بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی در جهت رفع سایر چالش‌های این صنعت امیدوار بود.

از آنجا که در حال حاضر بالادست صنعت نساجی عملکرد خوبی در تأمین مواد اولیه آن ندارد، پایین‌دست هم به همان اندازه دچار ضعف‌های عملکردی و ساختاری در زنجیره ارزش خود شده است. بررسی شاخص‌های عملکردی صنعت نساجی در ایران حاکی از توان پایین خلق ارزش افزوده در صنعت نساجی علی‌رغم سهم بالای اشتغال صنعتی آن است. یکی از این چالش‌های موجد عملکرد نه چندان مناسب صنعت نساجی و ایفای نقش پایین‌تر از انتظار آن در اقتصاد کشور، همین مساله تأمین پایدار مواد اولیه همراه با قیمت‌های قابل پیش‌بینی آن‌ها است. مثلا، تنها تولیدکننده یکی از مواد اولیه مهم صنعت نساجی «پلی‌اتیلن‌ترفتالات یا PET»، پتروشیمی «شهید تندگویان» است که میزان تولید این شرکت جوابگوی کل تقاضای واحدهای مصرف‌کننده نیست. با توجه به سهم بالای مصرف «پلی‌استر»، ضروری است کشورهایی که بر توسعه صنعت نساجی متمرکز می‌شوند، توان تولید خود را از این ماده به طور فزاینده افزایش دهند. سیاستی که در کشورهای چین و ترکیه با صنعت نساجی توسعه یافته از سال‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته است.

۳- صنعت چرم مصنوعی

چرم مصنوعی جایگزین چرم طبیعی بوده و در مواردی از قبیل

اثاثه و لوازم منزل، لباس، کفش بکار می‌رود. صنعت چرم مصنوعی در ایران با دو مزیت اساسی دسترسی به مواد اولیه پتروشیمیایی و بازار مناسب کشورهای منطقه روبرو است. همانند کل جهان، بزرگترین مصرف‌کننده چرم مصنوعی در ایران نیز صنعت کفش است. صنعت کفش ایران رتبه ۱۲ تولید صنعت کفش در دنیا را به خود اختصاص داده و قابلیت فراوانی برای ایفای نقش محرک بودن برای صنایع مختلفی از قبیل پتروشیمی، ماشین‌سازی، قالب‌سازی را دارد. در حال حاضر توان تولید بیش از ۴۵۰ میلیون جفت کفش در کشور وجود دارد اما تنها نیمی از ظرفیت موجود فعال بوده و سالانه بین ۲۴۰ تا ۲۵۰ میلیون جفت کفش بیشتر تولید نمی‌شود. صادرات کفش در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۰۰ میلیون دلار بوده که عمده آن به سه کشور عراق، افغانستان صادر شده است. این در حالی است که ظرفیت صادرات کفش در کوتاه‌مدت بین ۸۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار و در بلندمدت حدود ۶ میلیارد دلار (تولید ۱ میلیارد جفت کفش) تخمین زده شده است. قابل توجه است که همین میزان تولید فعلی کفش و صنایع وابسته آن بیش از ۲۰۰ هزار اشتغال مستقیم در بخش تولید و بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار شغل غیرمستقیم در بخش توزیع ایجاد کرده است. همسایگان ایران سالیانه بیش از ۲ میلیارد جفت کفش مصرف می‌کنند که سهم کشور ما از این بازار اندک است. لازمه تبدیل ایران به قطب تولید و صادرات کفش در منطقه پایداری شرایط تأمین و قیمت مواد اولیه است، این در حالی است که مثلا از سال ۱۳۹۹ به این سو قیمت برخی مواد اولیه در بورس کالا از ۱۰۰ تا ۲۸۰ درصد افزایش یافته است. مواد اصلی تشکیل دهنده صنعت چرم مصنوعی، PVC یا PU به همراه نرم‌کننده‌ها هستند. نرم‌کننده‌ها موادی هستند که برای بالابردن قابلیت قالب‌زنی و شکل‌پذیری پلاستیک‌ها به‌کار می‌روند. اهمیت این مواد به حدی است که بر حسب نسبت استفاده از چرم مصنوعی، حدود ۴۰ درصد وزن محصول را این ماده تشکیل می‌دهد. مهمترین ماده نرم‌کننده در این صنعت «دی اکتیل فتالات یا DEP» (۲) می‌باشد که از ترکیب «دی‌اتیل‌هگزانول» (۳) و «فتالیک انیدرید» (۴) بدست می‌آید. تنها تولیدکننده «دی‌اتیل‌هگزانول» در ایران، پتروشیمی «شازند اراک» با ظرفیت حدود ۴۵ هزار تن در سال است که جوابگوی تقاضای واحدهای مصرف‌کننده این محصول در کشور نیست.

جمع‌بندی

صنایع پایین‌دستی پتروشیمی در ایران از ظرفیت‌های اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم قابل‌توجه‌ای برخوردار است که طیف وسیعی از مواد شیمیایی و پلیمری پتروشیمیایی را متقاضی هستند. در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که مشکل در تولید یا تأمین هرکدام از این مواد، اثرات جبران‌ناپذیری بر پیکره صنایع پایین‌دستی وارد می‌کند. به دلیل سهم‌بری بالای مواد پتروشیمیایی از مواد اولیه و هزینه تمام‌شده محصول نهایی، ارتقاء توان تولید در بالادست و تسهیل و پایداری تأمین در پایین‌دست برای رسیدن به اهداف تولید و صادرات و اشتغال‌زایی برنامه‌ریزی شده امری ضروری است.

در صنعت نساجی جهت رفع مشکل تأمین مواد اولیه، سیاست‌هایی مانند افزایش ظرفیت تولید «پلی‌استر» گرید نساجی در کشور، استفاده از ظرفیت قانون تنفس خوراک برای افزایش بازده اقتصادی تولید «پلی‌استر»، راه‌اندازی یک شرکت پتروشیمی تولیدکننده نخ و الیاف با قیمت‌های جهانی، واردات «اسید ترفتالیک» برای افزایش تولید «پلی‌استر»، حذف معافیت مالیات بر درآمد صادرات محصولات واسطه‌ای نظیر «منواتیلن‌گلایکول» و «پارازایلن» و همچنین وضع عوارض صادراتی کاهنده بر صادرات آن‌ها، استفاده از ظرفیت مازاد «پارازایلن» در پتروشیمی «نوری» برای تولید «پلی‌اتیلن‌ترفتالات» در صورت بازگشت پتروشیمی «بوعلی» به مدار تولید، ایجاد پارک‌های شیمیایی برای توسعه صنایع پایین‌دست و نهایتا سامان‌دهی تقاضا و مجوزهای صادره وزارت صمت در خصوص واحدهای نساجی، پیشنهاد می‌شوند. در صنعت چرم‌مصنوعی نیز از جمله راهکارهای پیشنهادی برای رفع مشکل تأمین مواد اولیه می‌توان به عرضه هفتگی ۱۴۰۰ تن 2EH توسط پتروشیمی «اراک»، واردات مدیریت‌شده مثلا از طریق شرکت‌های DOP ساز، استفاده از ظرفیت‌های شرکت بازرگانی پتروشیمی، اتخاذ تدابیر حمایتی لازم برای افزایش ظرفیت تولید 2EH و فروش «فتالیک انیدرید» در بورس کالا، اشاره کرد.

یادداشت‌ها

1. Polyethylene Terephthalate - PET
2. Dioctyl Phthalate - DOP
3. Ethylhexanol - 2EH
4. Phthalic Anhydride - PA

منبع

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۰)، «تحلیل وآسیب‌شناسی زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی در ایران با تاکید بر توسعه صنایع صادراتی در میان دست و پایین‌دست»، حامد عادلی‌نیک، گروه پژوهش‌های فناوری و نوآوری